

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین یوم وېر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ناھید "غزل" غنی زاده

ویرجینیا - ۲۲ سپتمبر ۲۰۱۷

تنظیم و ویرایش: AA-AA

شگوفه

از آمدنت باغ دلم شگوفه باران شد، با رفتنت بی بهار می شوم .

بهار

برایم از بهار سخن بگوی، که سالهاست جز رنگ زرد خزان، موسمی ندیده ام.

داغ

در لحظه شگفتن لاله های محبت روی دشت قلبم، گوشه عزلت گزیدم، تا داغ سوخته
عشقت را تنها خودم به تماشا گیرم.

قاب باور

عبارتهای پریشانم واژه واژه روی شیار لبهایم می شکنند و افسانه محبت از قاب باورم
رها می گردد و روی ایوان پرگرد زندگانی، قیمت می بازد. من نیز بی نشان می شوم و
تو در ازدحام کوچه خیالات واهیت، سرگردان می مانی.

ویرانه

سپیده صاف بهار نویدی از گلشن یاد تو آورد. ای دریغ! که دیگر خانه ذهن من ویرانه
شده بود.

(ناھید "غزل" غنی زاده)